

نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی با روش تغافل با تأکید بر نهج‌البلاغه

سیده زهرا حسینی (همدانی)

چکیده

تربیت و هدایت انسان محصول تقید و پایبندی به ارزش‌های دینی یعنی امور مطلوب در سه حوزه اعتقادی، اخلاقی و فقهی است. شناخت و نهادینه‌سازی آن‌ها می‌تواند گام مهمی در تربیت دینی افراد جامعه و عامل پایداری نظام‌های ارزشی به حساب آید. درونی‌سازی ارزش‌های دینی با توجه به ابعاد سه‌گانه انسانی یعنی بعد بینشی، گرایشی و رفتاری، نیازمند روش‌هایی متناسب با این سه بعد می‌باشد. می‌توان گفت در تربیت دینی، تربیت شناختی و عاطفی مقدمه‌ای است برای رسیدن به بعد رفتاری و اینکه انسان دستورات پروردگارش را اطاعت کرده و به هدف اصلی یعنی عبودیت برسد. هر جا در قرآن از ایمان نام برده شده است همراهش عمل صالح است. به همین جهت ساحت رفتاری و کنشی در انسان بسیار دارای اهمیت است و هدف از درونی‌کردن ارزش‌های دینی در انسان نیز، رسیدن به همان عمل و پایبندی به ارزش‌ها می‌باشد. در این نوشتار با توجه به روش تغافل با تأکید بر نهج‌البلاغه و به روش توصیفی و تحلیلی به شیوه‌های کاربردی در تقویت ساحت کنشی انسان جهت نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: نهادینه‌سازی، بینش، ارزش‌های دینی

مقدمه

اسلام، دین هدایت و کمال و سعادت و رستگاری است که با هدف قرب الهی و رستگاری انسان برنامه جامع و کامل ارائه می‌دهد، قرآن کریم و احادیث معصومان [ع] که تفسیر کتاب هدایت- قرآن- است، سرلوحه زندگی خوبان و سعادت‌مندان و کسانی است که خواستار طی این مسیرند.

ارزش‌های دینی امور مطلوب در سه حوزه اعتقادی، اخلاقی و فقهی است و بدون تردید تقید و پابندی افراد در جامعه اسلامی به ارزش‌های دینی، در حفظ سلامت و سعادت جامعه مؤثر و مهم است. چراکه دین به‌عنوان یک نظام همه‌جانبه، برای تمام ساحت‌ها و ابعاد وجودی انسان برنامه و دستورالعمل دارد. و آگاهی و رغبت و عمل به این فرامین سعادت و کمال انسانی را به ارمغان خواهد آورد. برای رسیدن به این هدف، مسیر و شیوه‌ای صحیح باید اتخاذ گردد.

از آنجاکه انسان از سه ساحت بینشی، گرایشی و کنشی برخوردار است، لذا در امر تربیت و نیز درونی کردن ارزش‌های دینی، مربی باید به این سه ساحت توجه داشته باشد. زیرا که سه نوع دستاورد انسان در زمینه معارف، اخلاق و رفتار از سه شأن شناخت (بینش)، عاطفه (گرایش) و عمل (کنش) نشأت می‌گیرد.

می‌توان گفت در تربیت دینی، تربیت شناختی و عاطفی مقدمه‌ای است برای رسیدن به بعد رفتاری و اینکه انسان دستورات پروردگارش را اطاعت کرده و به هدف اصلی یعنی عبودیت برسد. پس اگر مربی به دنبال اعطای شناخت و معرفت و آموزش اعتقادات و نیز تحریک و تهییج عواطف و احساسات متربی است، برای این است که روحیه تعبد و بندگی را در متربی ایجاد و تقویت کند تا او دستورات الهی را به اجرا درآورد. و الا صرف اعتقادات و احساسات و عواطف کافی نیست.

حضرت علی^ع می‌فرماید: (الإیمانُ معرفةٌ بالقلبِ. وإقرارٌ باللسانِ وَ عَمَلٌ بالأركانِ) (نهج البلاغه، ۱۳۹۲، حکمت ۲۲۷)

«ایمان، بر شناخت با قلب، اقرار با زبان و عمل با اعضا و جوارح است.» پس در دین اسلام عمل و رفتار و کردار از جایگاه مهم برخوردار است.

روش تربیتی مجموعه تکنیک‌هایی است که برای انتقال صحیح پیام تربیتی از آن‌ها استفاده می‌شود. تا با آماده کردن روح و روان متربی، زمینه تربیت صحیح و بستر مناسب برای رساندن متربی به باورهای دینی و رفتار اسلامی و عبودیت و بندگی خدا [۱] فراهم گردد.

نوشتار حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که چگونه در بعد رفتاری با روش تغافل ارزش‌های دینی را نهادینه کنیم؟

در این نوشتار با تأکید بر نهج‌البلاغه به شیوه توصیفی و تحلیلی به پاسخ این سؤال پرداخته شده است.

تغافل

تغافل یعنی خود را به بی‌خبری و غفلت زدن، خود را به نادانی زدن، تظاهر به بی‌خبری یا بی‌توجهی یا بی‌دقتی کردن، غفلت ورزیدن از کسی یا چیزی، نادیده گذاشتن، نادیده انگاشتن (آذرنوش، ۱۳۸۴، ص ۴۸۴) که از باب تفاعل است و مانند تمارض که در مورد شخصی که مریض نیست اما خود را مریض می‌پندارد و چون مریض عمل می‌کند، تغافل هم در مورد کسی به کار می‌رود که غافل نیست اما عمل شخص غافل را انجام می‌دهد. یعنی کاملاً هوشیار و دقیق است و امور را رصد می‌کند اما برای حفظ کرامت انسانی طوری رفتار می‌کند که گویا ندیده و نشنیده است. (رشیدپور، ۱۳۸۶، ص ۱۶۹)

و این ویژگی و صفت مخصوص انسان‌های بزرگ و خردمند است که در قبال زیردستان و متریبان خود به جای تنگ‌نظری و سخت‌گیری، از تغافل برای تربیت آن‌ها بهره می‌گیرد. و اشتباهات آن‌ها را ندیده می‌انگارد. و از این طریق راه تربیت را هموار می‌سازد. (ابوطالبی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۶) و به این حکمت حضرت امیر [۲] جامعه عمل می‌پوشاند که، (کُنْ سَمْحًا وَ لَا تَكُنْ مُبَدِّرًا. وَ كُنْ مُقَدِّرًا وَ لَا تَكُنْ مُقَدِّرًا. (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۲، حکمت ۳۳)

«بخشنده باش، اما زیاده‌روی نکن، در زندگی حسابگر باش اما سخت‌گیر مباش.»

این حکمت فرمان و دستوری است برای به دست آوردن فضیلت بخشش و کرامت و نیز توصیه به عدم افراط و تفریط، که افراط همان اسراف و تفریط همان سختگیری است. (ابن میثم، ۱۳۸۸، ترجمه محمدی مقدم و نوایی یحیی زاده، ج ۸، ص ۳۸)

انسان به دلیل صفت نسیان و فراموشکاری که دارد در معرض خطا و اشتباه است و امکان دارد در رفتار و کردار و گفتار او اشتباهی از او سر بزند، انسان کریم و بزرگوار با توجه به این صفت انسان در برخورد با این اشتباهات و وانمود کردن ندیدن آن‌ها، می‌تواند در راه تربیت دینی او قدم بردارد. تا زمینه‌ای برای آگاهی شخص به وجود بیاید تا به کرده خود آگاه و پشیمان شود و راه جبران در پیش گیرد. (اسحاقی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۵) و به همین جهت است که در مورد کسی که این صفت را داشته باشد مورد تحسین بزرگان و اولیا الهی قرار گرفته و حتی آن را بزرگترین ویژگی اخلاقی نامیده‌اند. (قال امیرالمؤمنین علی: [أَشْرَفُ أَخْلَاقِ الْكَرِيمِ] [كَثْرَةُ] تَغَافُلُهُ عَمَّا يَعْلَمُ). (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۵۱) «بزرگترین ویژگی اخلاق افراد کریم، زیادی تغافل آن‌ها از چیزهایی است که می‌دانند».

شاید بتوان گفت روش تغافل در تربیت دینی بیشتر کاربرد دارد، چراکه با توجه به طی مسیر رشد و کمال، و احتمال خطا و لغزش در آن، برای حفظ کرامت متربی و تربیت شخصیت عزتمندانه بهترین روش، روش تغافل است. و به کار گرفتن این روش و نادیده گرفتن خطاها و اشتباهات آن‌ها باعث می‌شود که آن‌ها خودبه‌خود و به‌صورت غیرمستقیم از مسئله آگاه شوند و از خطا و اشتباه خود دست‌بردارند و از لجابت و سرسختی دور شوند. (رشیدپور، ۱۳۸۶، ص ۱۶۸) به همین جهت این روش از فروع اصل عزت است، آشکار کردن خطا و اشتباهات و ابراز ضعف‌های شخص، اعتمادبه‌نفس و عزت او را نشانه می‌رود و باعث شکسته شدن عزت او می‌شود. البته ضعف موجود در شخص به دو صورت است اول اینکه مربی با توجه به شناختی که از فرد دارد با توجه قرائن و شواهدی احتمال می‌دهد که او راهی را خطا رود و یا اشتباهی مرتکب شود، اما در جایی فرد اشتباه را انجام می‌دهد و مربی می‌بیند، تغافل در مورد دوم مدنظر است یعنی انسان از اشتباه آگاه و مطلع

شود و بعد از آن چشمپوشی کند. و اینجاست که با تغافل، عزت متربی حفظ می‌شود تا مسیر اشتباه را تکرار نکند. (باقری، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۹۹)

و با این روش بزرگوارانه است که فرد خطاکار به اغماض‌کننده علاقه‌مند می‌شود و فطرت اخلاقی او بیدار می‌شود. البته باید توجه کرد درجایی از تغافل استفاده شود که پشیمانی فاعل قابل پیش‌بینی باشد و شرافت عامل و شخص حفظ شود و احتمال بیداری در فطرت او داده شود. و در جایی که احتمال لجابت و سرسختی و پافشاری بر خطا هست، روش تغافل کارساز نیست. (اسحاقی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۷)

اگر فرد اشتباهی مرتکب شد و این اشتباه، آشکار شد، و شروع به توجیه کرد مربی با استفاده از روش تغافل باید توجیهات او را هرچند بر نادرستی‌اش آگاه است بپذیرد. تا پرده‌ها فرو نیافتد، چراکه اگر متربی به این باور برسد که دیگر هیچ پرده و استتاری نیست که خطاهای او را بپوشاند و دیگر ابایی از بر ملاء شدن اشتباهاتش نداشته باشد، مرحله خطرناکی است که ممکن است دست به هر اشتباهی بزند، چراکه عزتمندی خویش را از دست داده و برای خود کرامتی احساس نمی‌کند. و آنچه او را از دست زدن به کارهای ناشایست حفظ می‌کند همین احساس عزت و کرامت در شخص است. و تغافل مربی هم برای متربی عزت بخش است هم برای مربی که عزت خود را حفظ نموده است و از افتادن پرده‌های حیا بین خود و متربی جلوگیری نموده است. (باقری، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۰۰)

حضرت علی علیه السلام در عظمت این کار در نهج‌البلاغه این‌گونه می‌فرماید: (مِنْ أَشْرَفِ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ غَفْلَتُهُ عَمَّا يَعْلَمُ) (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۲، حکمت ۲۲۲)

« از بهترین کارهای مرد بزرگوار چشمپوشی است از آنچه می‌داند.»

ابن میثم علت بزرگوار نامیدن کسانی که تغافل می‌کنند را این‌گونه بیان می‌کند که، چون تغافل و ندیدن و چشمپوشی از خطا و اشتباه دیگران کار سختی است و لازمه آن داشتن ویژگی‌هایی چون بردباری، گذشت و تحمل سختی است و کسی می‌تواند تغافل داشته باشد که این فضیلت‌ها را در خود پرورانده

باشد و آن‌ها را به دست آورده باشد، این فضایل با بزرگواری همراه است. و کسانی که به‌دوراز خواسته‌های قوه غضبیه و هواهای نفسانی بتوانند از اشتباهات دیگران چشم‌پوشی کنند، و بالاترین اعمال را انجام دهند بزرگوار هستند. (ابن میثم، ۱۳۸۸، ترجمه محمدی مقدم و نوایی یحیی زاده، ج ۸، ص ۱۸۹)

ابی‌الحدید نیز این‌گونه بیان کرده است، که: «کسی که نادان و نابخرد است و اشتباهات را درک نمی‌کند این فضیلت و سروری نیست آنچه موردستایش و پسندیده است این است که، فرد دانا و آگاه است و با آگاهی نمی‌بیند و چشم‌پوشی می‌کند از آن‌رو فضیلت و سروری است». (ابی‌الحدید، ۱۳۷۵، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۸، ص ۲۱)

پس افراد و انسان‌های بزرگوار و با شخصیت آن‌ها ایند که، با بزرگی طبع و منش عزتمندانه، عیوب دیگران را می‌بینند، اما برای اهداف والای تربیتی از آن چشم‌پوشی می‌کنند و هرگز به رخ آن‌ها نمی‌کشند. این کار این نتایج را در بر دارد: الف- حفظ آبروی مسلمان ب- جسور نشدن فرد خاطی ج- حفظ رابطه مسلمان‌ها با هم.

از صفات خداوند [استار العیوبی است که عیب‌بندگان را می‌پوشاند و خداوند [دوست دارد که بنده شبیه او باشد. و تغافل و نادیده گرفتن اشتباهات دیگران یکی از راه‌های پوشاندن عیوب مردم است. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱، ج ۱۳، ص ۶۹۳)

استفاده از این روش بسیار به عزت‌مندانه بودن شخصیت انسان کمک خواهد کرد. متربی وقتی ببیند والدین و مربیان عزت و کرامت او را حفظ می‌کنند و بزرگوارانه عذر او را پذیرفته، چشم بر خطاهایش می‌بندند، در هیچ شرایطی حاضر نخواهد شد که باکارهای ناشایست و پست، این شخصیت عزتمند را فروپاشند و لگدمال کنند. و این خود راهی است برای آشنا کردن او با ارزش‌های والای دینی که به‌واسطه آن‌ها می‌تواند به کمال و انسانیت برسد و از کرامت و عزتی برخوردار گردد که هیچ‌کس حق خدشه‌دار کردن آن را ندارد. و از این طریق خود پایبند به آن ارزش‌ها خواهد شد و در حفظ و عمل به

آن‌ها خواهد کوشید. در واقع تغافل قدرت بازدارندگی دارد یعنی در شخص باعث جلوگیری از تکرار عمل ناشایست است. به همین جهت در ساحت کنشی و رفتاری از انجام عمل ناشایست بازداری می‌کند و آن را کنترل می‌کند.

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه دین مجموعه عقاید، باورها و بایده‌نهایی است که از سوی خداوند [برای بشریت] مشخص شده است و هر انسانی برای طی صحیح مسیر سعادت و کمال به آن نیازمند است و ارزش‌های دینی و پایبندی به آن‌ها سعادت فردی و اجتماعی را به ارمغان خواهد آورد، انسان در رفتار و کردار و عقاید و گرایش‌های ناگزیر از انتخاب، اعم از صالح یا ناصالح است.

اگر قرار باشد موضوعی در نهاد انسان درونی و تثبیت شود باید هر سه ساحت وجودی او اعم از بینشی، گرایشی و کنشی موردتوجه قرار گیرد و برای هر یک با روش‌های مختص به خود طریقه نهادینه کردن ارزش‌های دینی را پیاده نماید. مربی باید در ساحت کنشی و رفتاری با اتخاذ بهترین روش در امر نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی و به هدف انجام دستورات و فرامین دین مبین اسلام قدم بردارد تا با ایمان و باور قلبی به همراه عمل صالح به مقام قرب ربوبی برسد.

اگر مربی هنگام عمل و رفتاری دچار لغزش شده با تغافل و ندیده گرفتن و اغماض و چشم‌پوشی از آن خطا، کرامت او را حفظ کرده و بزرگواری مربی را به نمایش گذارد و باعث شود که اشتباه خود را تکرار نکند و پرده‌های حیا بین مربی و مربی پاره نشود. در این روش با آگاهی و علم از اشتباه برای رسیدن به اهداف بالاتر اشتباه ندیده گرفته می‌شود.

و با پیمودن این مسیر باید او را برای عبودیت و بندگی و اظهار تذلل در پیشگاه ربوبی آماده کرد که با انجام دستورالعمل‌های دینی، با انگیزه الهی عبادت و پرستش که یکی از نیازهای وجودی هر فردی

است بر آورده شده و با این عمل صالح و باور قلبی به درجه قرب الهی برسد و پایبند و مدافع و محافظ ارزش‌های دینی باشد. ان شاء الله

منابع و مأخذ

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین^[ع]، قم، ۵، ۱۳۹۲.

۱. ابن میثم، میثم بن علی بن میثم بحرانی، شرح نهج‌البلاغه، مترجم قربانعلی محمدی مقدم، علی‌اصغر نوایی یحیی‌زاده، آستان قدس، مشهد، ۳، ۱۳۸۸.

۲. ابوطالبی، مهدی، تربیت دینی از دیدگاه امام علی^[ع]، مؤسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی^[ع]، قم، ۲، ۱۳۸۶.

۳. ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج‌البلاغه، ترجمه و تحشیه محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، تهران، ۲، ۱۳۷۵.

۴. اسحاقی، سید حسین، سلوک علوی، بوستان کتاب، قم، ۱، ۱۳۸۱.

۵. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، نشر نی، تهران، ۴، ۱۳۸۴.

۶. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، مدرسه، تهران، ۳۷، ۱۳۹۳.

۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱، ۱۳۶۶.

۸. رشیدپور، مجید، پرورش‌های اخلاقی و روش‌های تربیتی، انجمن اولیاء مربیان، تهران، ۲،

۱۳۸۶.

۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین^ع، انتشارات امام علی بن ابی طالب^ع، قم، ۳،

۱۳۹۰.

حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم^ع - خواجه‌هازان

حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم ع. نحو/هران